

## وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت از دیدگاه مفسران فریقین ناظر به

### آیات ۸۲ سوره کهف، ۷۳ سوره انبیا و ۲۴ سوره سجده

سجاد فرجی<sup>۹</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

#### چکیده

در میان دانشمندان شیعه و سنی در مفهوم امامت نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در مورد امام زمان عجل الله نیز اشتراکات و افتراقات بسیاری وجود داشته است به ویژه در ولادت حضرت و غیبت ایشان. با این توصیف که اهل سنت همانند شیعیان به ظهور حضرت و موارد بسیار دیگری را قبول دارند اما برخلاف شیعه بیشتر آنان قائل به ولادت حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری نیستند و می‌گویند قبل از ظهور متولد می‌شود و نیز منکر دوران غیبت حضرت هستند. نگارنده با واکاوی این دو دیدگاه نقاط اشتراک و انفصال آنها را ناظر به آیات سه گانه (کهف ۸۲، سجده ۲۴، انبیاء ۷۳) بررسی کرده و چنین نتیجه گرفته است که دیدگاه شیعه با ظواهر و بلکه با نصوص قرآن و روایات سازگارتر است. بر همین اساس برنامه های امام زمان عجل الله در دوران غیبت را از آیات مذکور و روایات استنباط نموده و به تحریر در آورده است.

کلیدواژگان: دوران غیبت، امام زمان (عج)، وظایف و برنامه ها، مفسران شیعه و سنی، اشتراک و افتراق.

وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت از دیدگاه مفسران فریقین ناظر به آیات ۸۲ سوره کهف، ۷۳ سوره انبیا و ۲۴ سوره سجده

<sup>۹</sup> دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه بندر امام خمینی (ره).

## مقدمه

امامت الهی مقام و منزلتی بسیار بلند است که خداوند متعال به برخی انبیا و بندگان برگزیده اعطا نموده است. داشتن درک صحیحی از این مقام وابسته و آگاهی درست از مفهوم امامت است. مفهوم امامت بر پایه قرآن و روایات مقام و جوب اطاعت و دارا شدن حق امر و نهی است. این مقام برای هدایت و تربیت بندگان از سوی خداوند متعال به برگزیدگان الهی اعطا می شود.

بنا بر کلمه ائمه در آیات قران کریم، درباره مفهوم امامت نظریه های متفاوتی مطرح شده و اندیشمندان شیعه و سنی بسیاری به بحث درباره مفهوم امامت پرداخته و آن را از زاویه های مختلف تفسیر کرده اند. این آرا از انگیزه های گوناگونی ریشه گرفته و منشأ تفسیرهای متعدد و متنوعی شده و مبانی متفاوتی را در فهم مقام امامت ایجاد کرده است. در این مقاله ناظر به آیات سه گانه (انب یا ۷۳، سجده ۲۴، کهف ۸۲) به بررسی دو دیدگاه در مورد تفسیر این آیات و نیز بحث امامت اشتراکات افتراقات بین فریقین به عنوان پیش درآمد و روشن شدن موضوع و سپس وظایف و برنامه های امام زمان عجل الله در دوران غیبت خواهیم پرداخت.

### دیدگاه فریقین در مورد وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت

دیدگاه مفسران فریقین در مورد وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت ناظر به آیات ۷۳ سوره انبیا ۲۴ سوره سجده و ۸۲ سوره کهف مورد بررسی قرار می گیرد.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۷۳)

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ۖ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده/ ۲۴)

«وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۗ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۗ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/ ۸۲)

در نگاه دین پژوهان و مفسران شیعه و سنی آیات یاد شده از جمله آیاتی هستند که تفسیر آنها بین فریقه متفاوت است تا جایی که دیدگاه متنوع هر دو فرقه درباره این آیات، مباحث متعدد حدیثی، تفسیری و کلامی را در پی داشته است. این نگاههای متفاوت کلامی سبب شده شیعه و سنی در تفسیر آیات طرح شده در مورد وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت و دیدگاه کاملاً جداگانه‌ای داشته باشند. محور اصلی این تنوع را می توان ناشی از مسئله امامت و نص بر امامت در اندیشه شیعی و حداقل تردید آن از سوی اهل سنت دانست و همین امر سبب شده مفسران و دین شناسان اسلامی و با بررسی مجدد مدلول این آیات مباحث متنوع کلامی و تفسیری را پدید آورند.

### نگاه مفسران شیعی

در نگاه دین پژوهان و مفسران شیعه، این آیات بدون الغای خصوصیت از مورد نزول شان، بر امامت ائمه علیهم السلام و با تنقیح مناظ بر امامت امام عصر عجل الله وظایف و برنامه های حضرت در دوران غیبت دلالت دارد.

### تحلیل درون متنی آیه ۷۳ انبیاء

خداوند متعال در این آیه می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۷۳) و آن را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را با آنان وحی کردیم و آنان فقط پرستش - کنندگان ما بودند (انصاریان، ترجمه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ص ۳۲۸).

### معانی برخی کلمات و تفسیر

**ائمه:** امامان، پیشوایان، مراد انبیاء الهی یا پیشوایان دینی است که پس از پیغمبران کار امر به معروف و نهی از منکر را به عهده می گیرند. ائمه جمع و مفرد آن امام است و امام در لغت به معنی قائد و پیشواست و امامت به معنای پیشوایی و رهبری. اما در علم کلام متکلمان

برای امامت تعاریف مختلفی ذکر کردند اکثراً آن را به معنای رهبری جامعه در امور دینی و دنیوی دانسته اند.

**جعلناهم:** این کلمه قابل استناد است، زیرا یک جعل عام داریم و یک جعل خاص و در اینجا به اعتبار متعلق جعل باید بگوییم که جعلناهم جعل خاص است. به دلیل اینکه ما دو آیه داریم یکی از آنها در سوره انبیاء آیه ۷۳ و دیگری در سوره قصص آیه ۴۱ که درباره فرعون و فراعنه است و می‌فرماید: «وجعلناهم ائمه یدعون الی النار». مهم آن است که در هر دو آیه می‌فرماید: «جعلناهم/جعلنا منهم ائمه».

اما در آیه ۷۳ سوره انبیاء «جعلناهم» به اعتبار اینکه در مورد انبیاء است، جعل عام نیست، بلکه جعل خاص می‌باشد. زیرا جعل عام پروردگار این است که همه شئون تکوینی و ساختاری عالم وجود (یعنی معلول همه علل و سبب همه اسباب در عرصه هستی) به جعل خداست، مانند این که آتش می‌سوزاند به جعل الهی است یا آب رطوبت دارد به جعل خداست و همه سلسله علل و اسباب که در عرصه وجود هستی قرار دارند و معلول‌ها و مسببات از این سلسله علل و اسباب صادر می‌شوند و اینها همه بر اساس خلقت خداوند است.

بنابراین علت العلل، ذات مقدس پروردگار است. در این آیات قرآن شواهد زیادی داریم که خداوند عامل مختلف را که در عرصه هستی از یک علت‌های خاص به وجود می‌آیند را به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید ما این کارها را انجام داده ایم در حالی که هر کدام علت خاص دارند و چون ذات حق تعالی علت العلل است و تمام اسباب به خداوند منتهی می‌شوند خداوند یک جعل نام دارد که شامل همه معجولات هستی می‌شود و همه واقعیت‌های هستی چه تکوینی و تشریحی به جعل الهی است و جعل خاص خدا معجولاتی است که به طور مستقیم و بدون واسطه به وسیله خود خداوند به وجود می‌آیند و جعل می‌گردند مانند جعل احکام دین و قرآن که به جعل خاص خداوند است. در اینجا نیز امامت جعل خود خداوند است که بی واسطه توسط پروردگار مخصوصاً جعل گردیده است.

**یهدون بامرنا:** به امام هدایت می‌کنند که این قدرت ولایت و جریان رهبری که آنها در هدایت مردم دارند به وسیله اراده تکوینی خدا است که این توان و قدرت و امتیاز را در آنان به وجود آورده است. بنابراین از کلمه امرنا استدلال می‌شود که مسئله امامت یک مسئله ساختاری است و یک مسئله انتصابی و انتخابی نیست.

خداوند می‌فرماید: «جعلناهم ائمه یهدون بامرنا»؛ ما با ساختار خودمان این‌ها را قرار دادیم. بنابراین امیرالمومنین علیه السلام و اولاد طاهرینش اصلاً ساخته شده‌اند برای امامت و آنکه پیامبر مامور شد نه برای نصب امامت علی علیه السلام بود، بلکه برای ابلاغ اعلام بود. چون امامت ساختاری است نه انتخابی و انتصابی.

اگر ولایت و رهبری انبیا و امامان را ساختاری ندانیم اصلاً اوحینا غلط از کار در می‌آید؛ زیرا اینجا بحث تنها پیام نیست، بلکه هدایت و امامت و رهبری است. اوحینا اینجا تمییز است.

«الیهم فعل الخیرات و اقام الصلاه و ایتاء الزکات و کانوا لنا عابدین». به آنها وحی فرستاده شده است و برنامه‌ها و وظایفی بر عهده آنها هست.

بنابراین آیه شریفه می‌فرماید این هدایتی است که خداوند قرار داده است و از شئون امام هدایت جامعه است و این به معنای ارائه طریق نیست، زیرا خداوند متعال این مقام امامت را بعد نبوت قرارداد است. امامت به معنای رساندن به مطلوب می‌باشد، به این معنا که نوعی تصرف تکوینی در نفوس است که به وسیله آن راه را برای سوق دادن دلها به سوی کمال و انتقال دادن آنها به مقامات بالاتر هموار می‌سازد.

پس امامت و هدایت به امر خدا، از فیوضات معنوی و مقامات باطنی است که مومنان بوسیله عمل صالح به سوی آن هدایت گشته‌اند و به وسیله آن شامل رحمت پروردگار می‌شوند و خود امام قبل از هر کسی مشمول آن هدایت است و دیگران به مقدار استعداد خود از آن بهره‌مند می‌گردند.

بدین سان معلوم می‌شود که امام واسطه اخذ فیوضات ظاهری و باطنی برای مردم است.

آن گاه عبارت «او حینا الیهم فعل الخیرات» دلالت می‌کند که فعل خیرات تحقق یافته، یعنی وحی متعلق به فعل از ایشان صادر شده و عمل خیر آنها به واسطه وحی و دلالتی باطنی و الهی بوده است. این وحی، غیر از وحی مشروعی است که فعل را تشریح می‌کند، و انجام آن را برطبق آنچه تشریح شده مترتب می‌سازد، زیرا بدون فاصله می‌فرماید: «وکانوا لعاب‌الدین»؛ یعنی ائمه علیه السلام قبل از وحی نیز خدا را عبادت کرده اند و اعمالشان مطابق وحی تشریحی بوده است.

بنابراین وحی آنها وحی تسدید و تائید است نه وحی تشریحی، یعنی اینکه ایشان قبلاً همین کار را انجام می‌دادند و حالا مورد تائید خدا قرار گرفته، برای همین فرمود: آنها مردانی موحد و صالح بودند و فقط مرا عبادت می‌کردند. نتیجه اینکه ائمه موید به روح القدس، روح طهارت و قوتی ربانی هستند که آنها را به انجام خیرات و اقامه نماز و دادن زکات دعوت می‌کند (پوریوسف، خلاصه تفسیر المیزان، ۱۳۸۶: ص ۸۴۹).

این آیه به مقام امامت و رهبری ائمه و بخشی از وظایف و برنامه های مهم و پر ارزش اشاره می‌کند. در اینجا به شش ویژگی مطرح شده می‌پردازیم.

اول: «وجعلناهم ائمه»: ما آنها را پیشوایانی قرار دادیم. امامت همچون نبوت باید با انتخاب خداوند باشد (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۴۷۵).

رساندن پیام وحی را امامت و رهبری جامعه بر عهده دارد. مقام امامت و پیشوایی از نبوت و رسالت بالاتر است. و بر امت واجب است اقتدا به آن‌ها در جمعیت افعال و اقوال و تقریرات که قول و فعل و تقریر معصوم حجت است، چه نبی باشد چه رسول و چه امام و چه غیر از اینها مانند صدیقه طاهره که نه پیغمبر بود و نه امام، اما قول و فعل و تقریر او نیز همانند امام حجت است (طیب، اطیب البیان، ۱۳۸۸: ج ۱۳، ص ۲۱۳)

دوم: «یهدون بامرنا» به فرمان ما مردم را هدایت می‌کنند.

در این مرحله فعلیت و ثمره مقام پیشوایی را بازگو نموده است و این هدایت تنها به معنای راهنمایی و ارائه طریقی که در نبوت و امامت وجود دارد نیست، بلکه به معنای دستگیری کردن و رساندن به سرمنزل مقصود است ( مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۱۸۰).

هدایت کردند اما با سوی خود و سلیقه شخصی نیست، بلکه هدایت به فرمان خداوند است. «ماینطق عن الهوی» ( نجم /۳) و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی گویند، یعنی آنچه می گوید به فرمان خدا می گوید (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۴۷۵) و نه به فرمان دل و خود سرانه.

سوم: «واوحینا الیهم فعل الخیرات» ما به آنها فرمان انجام کارهای نیک را دادیم. توجه به انجام کارهای خیر از الطاف ویژه الهی است (همان)

جمع محلا به الف و لام (الخیرات) افاده عموم می کند و شامل همه خوبی ها می شود، از عقائد حقّه و اخلاق فاضله و اعمال صالحه بالاخص امر نماز و زکات (طیب، اطیب البیان، ۱۳۸۸: ج ۱۳، ص ۲۱۳).

چهارم: «واقام الصلاه» ما آنها را به اقامه نماز امر نمودیم. از وظایف و برنامه های امام علیه السلام برپا داشتن نماز در جامعه است.

پنجم: «وایتاء الزکاه» ما آنها را به دادن زکات دستور دادیم. دادن زکات برترین اطاعت مالی است (حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۴۱۷).

نماز و زکات در کارهای خیر جایگاه ویژه ای دارند و هر دو رکن اساسی در همه ادیان بودند و بدون نماز و زکات انسان به درجه بندگی نمی رسد (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۴۷۵).

ششم: «کانولنا عابدین» آنها همگی فقط ما را عبادت می کنند.

این عبادت به مقام عبودیت ائمه (ع) اشاره دارد (زمخشری، تفسیر کشاف، ذیل آیه) نبی یا امام با آن که به مقام رهبری (جعلنا هم ائمه) نائل آمدند اما با این وجود باز بنده خدا هستند. رهبران الهی و بندگان مخلص خدا هستند و آنچه هدایت می‌کنند عامل هستند (همان)

### تحلیل برون متنی آیه با استناد به روایات

از وظایف امام، هدایت به فرمان خداست که فرمان و حاکم خدا را برتر بر فرمان و حکم خود قرار می‌دهد. زیرا آنان که فرمان خود را برتر بر فرمان خدا قرار می‌دهند، پیشوایی فرعونی هستند که برخلاف حکم خدا و خودسرانه عمل می‌کنند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمودند: همانا ما دو نوع امام داریم یکی کسانی هستند که به فرمان خدا هدایت می‌کنند (وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا) و نه فرمان خودشان، بلکه فرمان خدا را مقدم بر فرمان خود قرار می‌دهند و نوع دوم فرعونیان ای هستند که به آتش دوزخ دعوت می‌کنند بدین معنا که فرمان خود را بر فرمان و حکم خداوند مقدم می‌کنند و برخلاف آنچه در کتاب خدا هست بر اساس هوا و هوس خود عمل می‌نمایند (طایبی، تفسیر اهل بیت، ۱۴۳۹ق: ج ۹، ص ۴۵۴؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۶)

زید بن علی می‌گوید: نزد پدر امام سجاد بودم که جابر بن عبدالله انصاری نزد او آمد و در حال صحبت با ایشان بود که برادرم محمد از حجره خارج شده و جابریه او خیره شد و گفت ای پسر بیا! آمد، به او گفت شمایلی مانند رسول خدا داری! اسمت چیست؟ فرمود محمد. گفت فرزند چه کسی هستی؟ فرمود علی بن الحسین بن ابیطالب. جابر گفت بنابراین اسمت باقر (ع) است و صورت و دست حضرت را بوسید و سپس گفت: رسول خدا به تو سلام می‌رساند. آنگاه امام فرمود: درود پروردگار و رسول خدا و درود بر تو ای جابر به خاطر کاری که انجام دادی. جابر گفت رسول خدا فرمود هفت نفر از فرزندان محمد باقر معصوم می‌باشند، آنان امامانی پاک سرشت هستند که هفتمین آنها مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند و سپس رسول خدا این آیه (وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا) را تلاوت نمود (طایبی، تفسیر اهل بیت، ۱۴۳۹ق: ج ۹، ص ۴۵۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶،



ص ۳۶۰). این خود نشانه بر امامت ائمه و وظیفه هدایت و رهبری امام در دوران غیبت نیز هست. همانگونه که امام مهدی عجل الله فرمودند چگونگی بهره مندی از وجود من در دوران غیبت همچون بهره ای است که از خورشید می برند آن را که بر آن را از دیدگاه نهان می کند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ص ۹۲) و این برکات امام هست که در عین غیبت وظایف و برنامه های امامت و رهبری و هدایت رابه فرمان الهی انجام می دهند.

کاملترین زیارت ائمه، زیارت جامعه کبیره است که از سوی امام هادی علیه السلام ذکر گردیده است و می توان قاطع گفت این زیارت با مضمونی که دارد تفسیر کامل این آیه شریفه ۷۳ سوره انبیا است و این آیه در رابطه با ائمه معصومین علیه السلام وارد شده که نشان از مقام والای این بزرگواران دارد.

زیرا ولایت از آن خداوند متعال است همچنان که خداوند می فرماید: «و ما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر»؛ جز خداوند ولی و یاری کننده ای ندارید (بقره ۱۰۷)، که از آن تعبیر به ولایت عام می شود. بنابراین ولایت خاص نیز وجود دارد که به صورت تشریحی وارد شده است که مخصوص مومنان است.

ولایت خاصی حائز اهمیت است و مخصوص ائمه هدی (ع) است که از هدایت و امتیاز خاصی برخوردارند. هم‌انطور که در قرآن کریم می خوانیم «انت ولی فی الدنیا و الاخره»؛ تو ولی یه من در دنیا و آخرت هستی (یوسف ۱۰۱) که در مناجات حضرت یوسف علیه السلام نیز آمده است که اهل تفسیر آن را به ولایت اخص تشبیه نموده اند، با آیه:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ همانا خداوند و رسولش و کسانی که ایمان آورده اند ولی شما هستند که ایمان آوردگان کسانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند (مائده ۵۵).

در منابع تفسیری اهل سنت و تشیع و اتفاق نظر هست که خطاب این جمله امیرالمومنین علیه السلام است همانگونه که زمخشری در تفسیر خود از منابع اهل سنت در ذیل این آیه گفته برای آن که علی علیه السلام الگوی انسانیت است خداوند ضمیر جمع «هم

راکعون» را برای ایشان آورد تا نشان از شخصیت برتر او باشد. ائمه آینه خداوند هستند و مصداق ولایت آنان، همان حب و ارادت و اطاعت محضی است که بنا به فرموده پیامبر به اطاعت محض ایست که بنا به فرموده امام هادی «من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله» که دوستان آنان نسبت به این انوار الهی دارند.

در زیارت جامعه کبیره عارفا بحقکم (مرحله قلبی و معرفت به امام علیه السلام) مصدقا بر رجعتکم (اعتقاد به رجعت آنان)، مرتفب لدولتکم (امتظار، مقربفضلکم (اقرار به فضیلت ائمه) مطیع لکم (اطاعت محض از آنان) به مراحل ولایتی این نورهای الهی اشاره شده است.

### تحلیل درون متنی آیه ۲۴ سوره سجده

خداوند متعال در این آیه می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» و برخی از آنان را چون (در برابر مشکلات سختی ها و حادثه‌ای تلخ و شیرین) صبر کردن و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت کنند؛ (انصاریان، ترجمه قرآن کریم، ۱۳۸۹: ص ۴۱۷) چون آنان هم صبر کردند و هم به آیات ما یقین نداشتند (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۳۱).

### معنای برخی کلمات و تفسیر آیه

کلمات ائمه (یهدون بامرنا) در این آیه نیز تکرار شده است که همانند آیه قبلی سوره انبیا مراد و معنای آنها مشخص است لذا به دیگر کلمات اشاره خواهیم کرد.

«لما صبروا» وقتی که بنی اسرائیل مشقات و دشواری های راه خدا را تحمل نموده و در برابر آن استقامت و شکیبایی کردند. دو چیز انسان ها را به پیشوایی می رساند، یک ایمان و یقین با آیات الهی است و دیگری شکیبایی و پایداری.

«بایاتنا» به آیات ما، مراد از آن نشانه ها و معجزات الهی است.

«یوقنون» یقین داشتند. مراد اینکه پیشوایان مابه آیات ما یقین داشتند و به حقیقت ایمان آورده بودند.

بعد از ذکر اینکه تعیین رهبری از حقوق الهی است باید دانست محتوا و شیوه هدایت را نیز خدای باری تعالی را معین می‌کند (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۳۱۸).

خداوند می‌فرماید: «وجعلنا منهم ائمه» از بنی اسرائیل در بین امت موسی، امام‌ها و پیشوایانی قرار دادیم که کار آنها، «یهدون بامرنا» خلق را به احکام تورات به فرمان ما یا به توفیق ما هدایت نمودند.

چه زمانی موفق شدند «لماصبروا» زمانی که بر ایمان، یا بر شداوند یا عمل به طاعات یا به اجتناب از محرّمات صبر نمودند (کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ۱۴۲۲ق: ج ۷، ص ۲۷۳؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳: ج ۱۰، ص ۳۹۴).

«وکانوا بایاتنا یوقنون»: به نشانه‌ها و آیات ما یعنی علامت و معجزاتی که به موسی داده بودیم یقین داشتند و به حقیقت ایمان آورده بودند. اینجا مراد انبیای بنی اسرائیل هستند. مفاد آیه می‌فرماید: ای رسول ما دلتنگ مباش از تکذیب امت. چنانچه موسی علیه السلام و کتاب او را هادی قرار دادیم و ائمه‌ی از بنی اسرائیل برگزیدیم که مردم را هدایت کنند، تو و قرآن تو را هادی قرار داده ایم و ائمه از نسل تورانیز نیز امام مقرر فرمودیم (همان). آیه شریفه یقین و صبر را دو شرط لازم (صبروا/یوقنون) برای رهبر و امام می‌داند و امام باید به هدف یقین داشته باشد و تا آخرین مرحله مقاومت نماید (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۷، ص ۳۱۸).

در این آیه به افتخاراتی که نصیب بنی اسرائیل در سایه استقامت و ایمان شد اشاره می‌کند تا درسی برای دیگران باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۵۸۱). بنابراین از وظایف امام علیه السلام در دوران غیبت طبق این آیه شریفه صبر و یقین است که دو بازوی هدایت به شمار می‌روند.

بی شک اوصیاء پیامبر؛ ائمه هدی نیز [امام حاضر] گرفتار قوم‌هایی می‌شوند که در برابر آزار و شدائد آنها صبر می‌کنند و بندگان را به تقوای الهی و نشانه‌های او هدایت می‌کنند و دارای بالاترین مراتب یقین هستند چنانچه اخبار هم بدان اشاره دارند (طیب، تفسیر اطیب البیان، ۱۳۸۸: ج ۱۴، ص ۴۶۴).

شرط پیشوایی و امامت و نیز رمز پیروزی در این آیه نیز برشمرده شده است: (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ج ۲۷، ص ۵۸۱).

اول: ایمان و یقین با آیات الهی

دوم: صبر و استقامت و شکیبایی

### تحلیل برون‌متنی آیه با استناد به روایات

به راستی رابطه جمله (ائمه یهدون بامرنا) با مسئله امامت چیست؟

ابتدا پاسخ اجمالی مطرح می‌کنیم و سپس تفصیلی.

جمله در «ائمه یهدون بامرنا» دو بار در قرآن کریم آمده و به معنای پیشوایانی که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند است.

امام رضا علیه السلام در ذیل آیاتی از جمله این آیه شریفه می‌فرماید: خداوند متعال وقتی ابراهیم علیه السلام را پس از مقام نبوت به مقام امامت رفعت بخشید این رتبه والا پس از وی، نسل به نسل در ذریه ایشان تا زمان پیامبر اسلام ادامه یافت و پیامبر نیز طبق دستور خداوند این مقام با عظمت را به امام علی ع و فرزندان آن حضرت اختصاص داد.

### پاسخ تفصیلی

جمله ائمه یهدون بامرنا پیشوایانی که به فرمان ما هدایت می‌کردند در قرآن کریم دو بار آمده است. یک بار آن در سوره انبیاء و یکبار در سوره سجده (سجده ۲۴). آیه اول در فضل و عنایت خداوند به حضرت ابراهیم و فرزندانش و مقام امامت (حسینی همدانی، انواردرخشان، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۷۲؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷ق: ج ۱۴، ص ۳۱۴) و آیه

دوم درباره عده ای از قوم بنی اسرائیل نازل شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ج ۱۷، ص ۱۶۶)

در تفسیر این جمله و رابطه آن با مسئله امامت باید گفت درست است که امام در لغت به معنای پیشوا آمده است ولی برخی مفسران به این ترجمه اشکال وارد کرده و گفتند این ترجمه کامل نیست. بدین بیان اگر بخواهیم امامت را به معنای پیشوایی بگیریم و آیه شریفه «انی جاعلک للناس اماما»، امام برای مردم قرار دادیم در تقابل است؛ چرا که مسئله امامت در اواخر عمر مبارک حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح شد، یعنی از وقتی که ایشان قطعاً پیامبر ما بود پس باید امامت چیزی فراتر از نبوت باشد نه خود نبوت چرا که مقام جدید باید حائز امتیازی باشد که در مقامات قبلی شخص وجود نداشته باشد و نیز هر موهبتی الهی حقیقتی را در بردارد و صرف مفاهیم لفظی نیست (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۷۱ و ۲۷۲)

با توجه به این نکته باید گفت در قرآن کریم هر کجا معنای امامت آمده به دنبال آن کلمه هدایت نیز ذکر شده است. از دو آیه ای که جمله «ائمه یهدون بامرنا» در آن آمده بر می آید وصفی که از امامت شده وصف تعریف است و می خواهد آن را به مقام هدایت معرفی نماید از سوی دیگر هم جای قرآن این هدایت مقید به امر شده است و با ذکر این قید فهمانده که امامت به معنای مطلق هدایت نیست بلکه به معنای هدایتی است که با امر خدا صورت می گیرد این امر هم ما همان است که در جای دیگر درباره اش فرموده (همان، ص ۲۷۲) فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند تنها با آن می گوید موجود باش او نیز بی درنگ موجود می شود. منزله است خداوندی که مالکیت و حاکمیت هر چیزی در دست اوست و شما را به سوی او باز می گرداند (یس ۸۳، ۸۲) و و نیز فرموده فرمان ما یک امر بیش نیست همچون یک چشم به هم زدن (قمر ۵۰).

درباره ارتباط این بحث و آیه شریفه (ائمه یهدون بامرنا) با امامت ائمه اطهار علیه السلام حدیثی ذکر شده است مانند حدیث امام رضا (ع) که می فرمایند: خداوند متعال ابراهیم

را به مقام امامت اختصاص داد پس از اینکه او را به مقام نبوت رسانید و مقام امامت سومین درجه او محسوب می‌شود که درجه برتر از مقامات قبلی وی است و بعد از وی این مقام رفیع را در ذریه او قرار داد و این مقام از نسلی به نسلی و از قرنی به قرنی انتقال یافت تا اینکه پیامبر اسلام وارث این مقام شد و خداوند متعال فرمود: سزاوارترین مردم به ابراهیم آنها هستند که از او پیروی کردند (در زمان و عصر او و مکتب او وفادار بودند همچنین این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند از همه سزاوارترند و و خداوند ولی و سرپرست مومنان است (آل عمران ۶۸). امامت مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شد و ایشان به امر خداوند به همانگونه که خداوند واجب فرموده بود این مقام را به عهده امام علی قرار داد و سپس در آن دسته از نسل حضرت علی علیه السلام که برگزیده بودند و خداوند علم و ایمان به ایشان داده، قرار گرفت. پس این امامت در فرزندان علی (ع) تا روز قیامت خواهد بود (شیخ صدوق عیون خبار الرضا ع، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۱۶).

بنابراین هدایت به امر ما نشان تاثیر امام بر جامعه سازی مورد نظر اسلام و دین الهی است.

هدایت و دستگیری امام نیز به عنوان انیس و رفیق و پدر دلسوزامت است، چنان که امام رضا علیه السلام فرموده است (الامام الانیس الرفیق والوالد الشفیق والاخ الشقیق.. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰) و آنچه که استنباط می‌شود این است که امام به اراده و اذن پروردگار فراتر از نبی و رسول تاثیر باطلی و ملکوتی بر نفوس گذارده جامعه را هدایت می‌فرماید.

وظایف و برنامه های امام طبق این آیه شریفه سه چیز است:

اول: ایمان و یقین به آیات الهی

دوم: صبر و استقامت و شکیبایی در امر هدایت

سوم: به فرمان ما مردم را هدایت کنند.



بنابراین وظایف و برنامه های مطرح شده در آیه شریفه و پژوهش پیش رو برای امام عصر عجل الله ثابت است و چه این که امام حاضر باشد یا غایب و در دوران غیبت نیز همانطور که قبلاً اشاره گردید بندگان الهی از وجود نازینش مانند خورشید پشت ابر بهره می برند.

### آیه ۸۲ سوره کهف

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۗ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ۗ ذَلِكُمْ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾

و اما آن دیوار از دو نوجوان یتیم در این شهر بود، و زیرش گنجی متعلق به آن دو قرار داشت، و پدرشان مردی شایسته بود، پس پروردگارت خواست که آن دو یتیم به حد رشد رسند و گنجشان را به سبب مهر [ی که] پروردگارت [به آن دو] داشت بیرون آورند؛ و من این را از پیش خود انجام ندادم. این است تفسیر و علت آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی.

### تحلیل برون متنی آیه با استناد به روایات

آن گنجی که در آیه از آن سخن به میان آمده و بنا به گفته ای، طلا و نقره بوده است. همانگونه که ابودرداء از پیامبر (ص) این روایت را نقل کرده است که مراد از (کان تحتہ کنزلهما) این است که آن گنج، از طلا و نقره بوده است (طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۵۳؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۸۹، ح ۱۸۴).

از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده (و کان تحتہ کنزلهما) لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود «بسم الله الرحمن الرحيم محمد (ص) رسول الله است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که تقدیر الهی یقین دارد چگونه اندوهگین می شود و عجب دارم از کسی که دنیا و دگرگونی های آن را در مورد اهلش می بیند، چگونه به دنیا اعتماد می کند.



سزاوار است برای کسی که از خدا دانش و آگاهی گرفته به او سوء ظن نداشته باشد و خداوند تبارک و تعالی را در روزی رساندنش به کندی نسبت ندهد (قرب الاسناد، ص ۳۷۵، ح ۱۳۳۰؛ نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۸۸، ح؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ص ۲۹۵؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹).

پیامبر در روایتی از کلماتی حکیمانه بود که بر صحیفه از طلا نوشته شده بود مضمون آن حکمتها این بود: تعجب از کسی که ایمان به تقدیر الهی دارد چرا خود را به زحمت بیش از اندازه می‌اندازد و یقین به دگرگونی دنیا دارد چرا به آن اطمینان می‌کند؟

طبق احادیث لطف و رحمت خدا مخصوص فرزندان بی واسطه نیست بلکه در نسل های بعد هم تاثیر دارد و نیکوکاری اجداد موجب عنایت خدا به ذریه آنان می شود.

امام صادق (ع) فرمود: خداوند به موسی وحی کرد: من فرزندان را به خاطر خوبی پدران پاداش می دهم. پس فرمود اگر به ناموس مردم خیانت کنید به ناموس شما خیانت می شود (کما تدین و دان) (تلخیص تفاسیر مجمع البیان، نورالثقلین ذیل آیه شریفه و قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۱۵).

یک جا فرزند به خاطر حفظ ایمان والدین کشته می شود و جای دیگر به خاطر صالح بودن پدر پیامبر کارگری می کند تا سرمایه به دست فرزند برسد.

وقتی بعضی به امام مجتبی علیه السلام به خاطر صلح با معاویه اعتراض کردند، فرمود: مگر نمی دانید خضرع برای مصلحت کشتی را سوراخ کرد و نوجوانی را کشت و کارهای او مورد غضب موسی (ع) قرار گرفت؟

ای مردم اگر صلح را نمی پذیرفتم همه شیعیان روی زمین نابود می شدند (وَلَوْ لَأْمَأُ أَتَيْتُ لَمَا تُرِكَ مِنْ شِيعَتِنَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ إِلَّا قُتِلَ) (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۱۵؛ با اقتباس از تفسیر نور الثقلین)

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود آن گنج از طلا و نقره نیست بلکه لوحی از طلاست و در آن نوشته شده است: عجب از کسی که یقین به مرگ دارد چگونه شادی می

کند، عجب از کسی که یقین به مقدرات و مشیت الهی دارد و با این حال محزون است « که چرا چنین و چنان و من بیمار و فلان شخص سالم و یا من فقیر و فلانی ثروتمند». عجب است از کسی که یقین به قیامت و حشر دارد و به دیگران و یا به خود ظلم می‌کند، عجب است از کسی که می‌بیند دنیا را که در تغییر و تبدیل است با وجود این به دنیا دل می‌بندد و میل به او دارد. فاصله میان دو پسر یتیم و پدر صالحشان ۷۰ نسل می‌باشد و خداوند حفظ حرمت آن دو پسر را فرمود به جهت صالح بودن آن پدر خداوند اراده فرموده بود که چون آن دو پسر به حد رشد و کمال عقل برسند، گنج خود را بیرون آورند از آن پند بگیرند و به درجه کمال آدمیت برسند و این بود تاویل و اسرار باطنی آنچه را که تو طاقت و توانایی دیدن آنها را نداشتی (تفسیر اهل بیت، ج ۸، ص ۵۸۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ص ۲۸۸).

یزید بن رومان گوید: نافع بن ازرق وارد مسجد الحرام شد و حسین بن علی علیه السلام همراه عبدالله ابن عباس در حجر اسماعیل بود او نزد آن دو نشست. امام حسین ع فرمود: ای نافع سوالی از تو درباره این آیه می‌پرسم، به من بگو طبق این آیه ۸۲ سوره کهف و جریان دو یتیمی که پدر صالحی داشتند حضرت خضر آن بیمار را بنا نمود آن کودکان به واسطه چه کسانی حفظ شدند؟

او گفت: پدر و مادر صالح آنها. حضرت فرمود: پس کدام یک برترند پدر آنها و یا رسول خدا و فاطمه سلام الله گفت: البته که رسول خدا و دخترا و فاطمه سلام الله برتر هستند. حضرت فرمود: آیا خداوند ما را حفظ نکرده که ما از کفر به دور بمانیم (مجلسی، بحار، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۴۲۳؛ طایبی، تفسیر اهل بیت، ۱۴۳۹ق: ج ۸، ص ۵۸۴).

امام صادق (ع) فرمود: خداوند ذریه مومن حفظ می‌کند و میان آن دو کودک و والدینشان، هفتصد سال فاصله بود (طایبی، تفسیر اهل بیت، ۱۴۳۹ق: ج ۸، ص ۵۸۶، مجلسی، بحار، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ص ۳۱۰).

از نظر مفسران شیعی این آیه در مورد جریان حضرت خضر علیه السلام و حضرت موسی کلیم است که می‌توان از طریق تحلیل برون متنی (روایی) برخی وظایف و برنامه‌های امام را از قرآن استنباط نمود که از جمله آنان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- (۱) بهره دادن علمی توسط امام به جامعه و استفاده جامعه از علم و دانش امام
- (۲) عبودیت و بندگی خدا که سرچشمه همه خوبی‌هاست
- (۳) عجله نمودن در کارها چرا که بسیاری از امور نیاز به فرصت دارد، چنانکه ظهور در فرصت مناسب انجام خواهد شد، هر چند ما باید در مسیر ظهور قرار گیریم و برای ظهور و اصلاح جامعه تلاش نماییم تا وقتی که خداوند صلاح آمدن حضرت را بداند.
- (۴) امام به باطن اشیاء و حوادث نظر می‌کند.
- (۵) ادب امام
- (۶) قضاوت عالمانه امام
- (۷) حمایت از فرزندان افراد صالح و روی گرداندن از فرزندان ناصالح (برگرفته از تفسیر نمونه با رویکرد استنباطی)
- (۸) حفظ جامعه از کفر مطلق (استنباط از حدیث ذکر شده بحارج ۳۳ ص ۴۲۳)
- (۹) در نظر گرفتن مصلحت‌های جامعه و حفظ اسلام (استنباط از روایت ذکر شده تفسیر نور، ج ۵، ص ۲۱۵)

### نگاه مفسرات اهل سنت ناظر به آیات ثلاث

در نگاه دین پژوهان و مفسران سنی این آیات به رهبری انبیا دلالت دارد و امام جامعه با معنایی که آنان از امامت دارند با نگاه شیعی متفاوت است. همین امر سبب شده به ویژه در تحلیل برون متنی مبتنی بر روایات تفسیر متغیرتری داشته باشیم و این که در تفاسیر اهل سنت بیشتر در خصوص نزول آیات بحث می‌کنند و در اندک مواردی به ائمه اثنی عشری که شیعه قائل به آن است در روایات آنان بدان اشاره شده است که خواهد آمد.

### تحلیل درون متنی آیات ۷۳ انبیاء و ۲۴ سجده

ابن جریر و ابن منذر و ابن ابی حاتم به نقل از افتاده در مورد تفسیر این آیات (وجعلناهم ائمه یهدون/جعلنا منهم) الایه قال جعلهم الله ائمه یقتدی بهم فی امرالله، منظور رهبرانی است که توسط خداوند تعیین می‌شوند که نسبت امرالهی از آنان پیروی می‌شود (الدرالمنثور فی تفسیر الماثور، ج ۴، ص ۳۲۳).

«وجعلناهم ائمه» طبق آیات قبل، انبیاء از جمله ابراهیم، اسحاق، یعقوب، لوط می‌داند که در امور دین می‌بایست از آن پیروی نمود که امت را به سوی حق هدایت می‌کنند و این هدایت به امرالهی است نه از سوی خود.

پس «او حینا الیهم فعل الخیرات» برای اتمام کمال به آنان وحی نمودیم که افعال خیر انجام دهند و همچنین مخاطب آیه هم انبیاء ذکر شده است (الوسی بغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۹، ص ۶۸).

قول دیگر در مورد «وجعلنا منهم ائمه» این است که آنها را بزرگانی قراردادیم که در امور خیر از آنها پیروی می‌شود و آنان وظیفه هدایت مردم به سوی دین و به امرپروردگار را دارند. مراد از «فعل الخیرات» طبق گفته ابن عباس، شریعت نبوی است و نظر مقابل این است که منظور از آن اعمال صالحه است (زادالمسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۲۰۱).

با همین مضمون در دیگر تفاسیر اهل سنت، مراد آیه وظیفه هدایت و امر به فعل خیرات گفته شده است (ر.ک. الکشاف عن حقایق، ج ۳، ص ۱۲۷؛ جامع الاحکام القرآن، ج ۶۶، ص ۳۰۵؛ البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۳، ص ۴۷۹؛ التفسیرالکتاب الله المنیر، ج ۶، ص ۲۱).

همچنین ابن ابی حاتم از قتاده نقل کرده که ائمه، روسا در خیرات (بزرگان خیردارای اعمال صالحه) غیر از انبیا می‌باشند و منظور از (یهدون بامرنا لما صبروا؛ سجده ۲۴)، صبر بر ترک دنیا است (الدرالمنثور فی تفسیر الماثور، ج ۵، ص ۱۷۹، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۳۵).

برخی نیز گفتند مراد اینجا، انبیاء بنی اسرائیل است (روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۳۵)  
 «وجعلنا منهم» که قتاده گفته: ائمه از بنی اسرائیل منظور است که مراد همان رهبران  
 در امور خیر هستند که مردم را به طاعت الهی دعوت می کنند و در این مسیر دعوت دین و  
 آزار دشمنان، صبر پیشه می کنند (ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۴۲۴).  
 قابل ذکر است طبق قرائت ابن مسعود که به جای «لما صبروا» «بما صبروا» خوانده  
 است، دو قول هست:

یکی اینکه مراد انبیا است و دیگری اینکه منظور قوم صالح و صابری جدای از انبیا  
 است. اینجا روی سخن با قریش است که اگر اطاعت کنید، ائمه را از میان شما قرار خواهیم  
 داد (زاد التفسیر، ج ۳، ص ۴۳۳).

### تحلیل روایی و نواد از جعلنا منهم (جعلناهم) ائمه یهدون بامرنا

ابراهیم کوفی گفته حدیثی که جعفر بن محمد نقل کرده از محمد بن حسین الهاشمی  
 عن محمد بن حاتم، عن ابی حمزه الثمالی عن ابی جعفر فی قوله «وجعلنا منهم ائمه یهدون  
 بامرنا» قال: نزلت فی ولد فاطمه خاصه، این آیه بصورت خاص در مورد فرزندان فاطمه نازل  
 گردیده است و از نسل فاطمه هستند که به امر الهی هدایت می کنند (حسکانی، شواهد التنزیل،  
 ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۵۸۳).

در جای دیگر از ابن عباس نقل کرده اند مراد اینجا ۱۲ امام معصوم از صلب علی  
 علیه السلام است (همان ص ۵۸۴)..

همچنین ابن عبید نقل کرده است: مراد از «جعلنا منهم ائمه» ی غنی رهبرانی که در  
 امور دینی از آنها پیروی می شود و آنان مردم را به اطاعت الهی و دین او دعوت می کنند  
 (الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۰۹).

علی بن ابراهیم گوید: محمود بن زیاد از محمد بن حسین از محمد بن یحیی از طلحه  
 بن زید از جعفر بن محمد از پدرش (ع) نقل کرده که فرمود: و الائمة فی کتاب الله، امامان،  
 امام عدل و امام جور، قال الله وجعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لا بامر اناس، یقدمون امر الله قبل

امرهم و حکم الله قبل حکمهم، قال وجعلناهم ائمه يدعون الى النار، يقدمون امرهم قبل امرالله وحکمهم قبل حکم الله و ياخذون باهوائهم خلافا لما في كتاب الله (البرهان في تفسيرالقرآن، ج ۴، ص ۴۰۲). این حدیث همانند حدیثی است که پیش تر از نگاه شیعه از منابع شیعی نقل کردیم.

بیشتر تفاسیر نگاهی الفاظی به آیات داشته و بحث هدایت به دین و دعوت به اطاعت الهی توسط انبیاء بنی اسرائیل را مطرح می نمایند (کریمی حویزی، التفسیرالکتاب المنیر، ۱۴۰۲ق: ج ۶، ص ۲۹۶؛ ابن عجبیه، البحرالمدید، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۳۵۸؛ بحرالعلوم، ج ۳، ص ۲۹). تنها در اندک تفاسیری روایاتی نقل شده است که مراد ائمه، امامان دوازده گانه از نسل پیامبر (ص) و علی (ع) می باشند (ر. ک. حسکانی، شواهدالتنزیل، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۵۸۳)

اما از حیث وظیفه و برنامه ها همانند وظایفی است که از نگاه شیعه مطرح نمودیم؛ اعم از هدایت مردم و دعوت به اطاعت الهی و...، با این تفاوت که اهل سنت نگاهی همانند شیعه در خصوص صادق بودن، وظایف و برنامه ها برای ائمه اطهار(ع) و نیز دوران غیبت برای امام عیج ندارند.

### تحلیل درون متنی آیه ۸۲ سوره کهف

در تفاسیر اهل سنت همانند مفسران شیعه این آیه را تحلیل نموده اند و علت تعمیر دیوار را از زبان حضرت خضر(ع) برای موسی بازگو می کند که این دیوار از آن دو طفل یتیم است که تا زمان رشد آنان می بایست دیوارپا برجا بماند و آسیبی نبیند تا گنجی که در زیر آن است به دست آنان برسد (ترجمه مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ تفسیرالکتاب المنیر، ج ۵، ص ۲۷۰؛ بحرالعلوم، ج ۲، ص ۳۵۹)

### تحلیل برون متنی آیه (استناد به روایات)

به تفاسیر سنی که نگاهی می اندازیم همگی در مورد نزول آیه و تفسیر الفاظ تلاش نموده اند و اتفاقاتی که بین خضرو موسی (ع) رخ داده را همانند شیعه با اندک تفاوتی

شرح داده اند و در بیان علت کارهای حضرت خضر(ع) به روایاتی تمسک نموده‌اند که پرده از ظاهر الفاظ بردارند و مراد گنج را بیشتر طلا و نقره می دانند و همانند شیعه از وظایف امام (ع) سخنی در میان نیامده است و روایتی که صراحتاً یا قابل استنباط در این زمینه باشد، توسط مفسران اهل سنت مطرح نگردیده است.

می توانیم برای اثبات این مطالب به منابع مطالعه ذکر شده رجوع نمایم (ر.ک، روح المعانی، ج ۸، ص ۳۳۵، باب التاویل فی معانی التنزیل ج ۳، ص ۱۷۴، کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۵، ص ۷۲۶؛ معانی القرآن ج ۲، ص ۱۵۷؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۴۹۲؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۳، ص ۱۰۴؛ جامع الاحکام القرآن ج ۱۱، ص ۳۸؛ البحرالمدید، ج ۳، ص ۲۹۷).

### **اشتراکات و افتراقات شیعه و سنی در مورد امامت و امام زمان (عج)**

در میان شیعه و سنی در بحث امامت و امام زمان (عج) دیدگاه های مشترک و متفاوتی وجود دارد که می بایست برای روشن شدن بحث و وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت می بایست باختصار مطرح شود.

دانشمندان اهل سنت در صحاح اهل سنت، حدیثی از پیامبر اسلام نقش شده که بر اساس آن حضرت تعداد خلفای خود را ۱۲ تن معرفی کرده است و برای آنان اوصافی شمرده است که هم تعداد و هم اوصاف یاد شده بر آنان در حدیث مزبور، با ۱۲ امام مورد اعتقاد شیعه تطبیق می کند (ترمذی، سنن ترمذی، الفتن باب ۴۶؛ حنبل، مسند، ج ۵، ص ۹۲ و ۹۹ و ۱۸۰) هر چند که برخی از دانشمندان اهل سنت تطبیق مصادیق آن با خلفای اموی و عباسی و توجیه آن برآمده اند که نقد آن مسلم است.

دانشمندان شیعه امامیه نیز معتقدند چنانچه نبوت پیامبر اسلام، امری الهی است، تعیین جانشینان حضرت نیز امری الهی و از اختیارات امت اسلام خارج است. بر همین اساس و روایات فراوانی که از طریق پیامبر وجود دارد به اتفاق آرا و بدون اختلافی مصادیق حدیث یاد شده را امامان دوازده گانه اهل بیت رسول خدا دانسته اند و تردیدی وجود ندارد که

بشارت رسول اکرم به آمدن دوازده خلیفه پس از ایشان سخنان عادی نبوده، بلکه بشارت و فرمان مهم الهی است که توسط رسولش ابلاغ گردیده است و در تعیین مصادیق بشارت و آن هم چنین مسئله مهمی، سلیقه و گرایش های فکری خاص و غیر الهی راه ندارد (شرح صحیح مسلم، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۵۴).

امامت از نظر شیعه یک منصب عام الهی و خدادادی است. امام رضا (ع) در حدیثی طولانی می‌فرماید: امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مومنان است. امام امین خداوند در میان مردم؛ حجت حق بر خلق، خلیفه الهی بر جامعه، رهبر و راهنمای خلق به سوی حق و نگهبان حریم حقوق الهی است (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶).

تفاوت نبوت با امامت این است که نبوت منصبی است از جانب خدا که پیام و دستوراتی به وسیله وحی، از ناحیه خدا دریافت کرده و آن را ابلاغ می‌کند (تفتازانی، شرح المقاصد، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۴). اما امامت، زعامت عمومی برای مردم در امور دنیا است (جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۵۴). نبوت و وظیفه ابلاغ و نشر احکام الهی به عامه مردم را دارد ولی امامت مرحله اجرای عملی احکام شرع در جامعه است (تفسیر نمونه، همان). از آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، مقام امامت برتر از نبوت است. طبق آیه ۱۲۴ سوره بقره و بحث امامت حضرت ابراهیم علیه السلام که امام صادق می‌فرماید خداوند ابراهیم را بنده خاص خود و سپس پیامبرش کرد و عنوان نبی به او داد و او را خلیل قرار داد. هنگامی که همه این مقامات در وجودش جمع شد به او فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم (کلینی، کافی، ص ۱۷۵). دلیل دیگر می‌توان به حدیث پیامبر اشاره کرد که به فاطمه سلام الله علیها فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که خداوند در میان اهل زمین دو نفر را انتخاب کرده و برگزیده است یکی پدرت و دیگری همسرت علی (ع)؟ پر واضح است که حضرت علی نبی نبوده اما با این حال بر تمام پیامبران برتری داده شده است (حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۲۹؛ فاضل هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۸).

### اشتراکات و افتراقات امام زمان عجل الله در نگاه شیعه و سنی



باورداشت مہدویت و اندیشہ ظهور مہدی عجل اللہ بخش مہمی از عقاید اسلامی  
 به شمار می آید کہ بر اساس بشارتہای پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم میان فرق و  
 مذاہب اسلامی شکل گرفته است و احادیث مہدوی در بسیاری از کتاب معروف اہل سنت  
 نیز آمدہ است و با دقت در آنان مشترکات و تفاوت های آنها در نگاه شیعه و سنی را بازگو  
 می نماییم. قابل ذکر است بالغ بر صد حدیث نزد اہل سنت به تواتر معنوی رسیدہ و در ہمہ  
 آنها به ظهور حضرت اشارہ شدہ است. از جملہ در سنن، معاجم، مسانید، صحیح حاکم،  
 معجم طبرانی.

### مشترکات در رابطه با امام زمان (عج) بین فریقین

(۱) حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مہدی عجل اللہ (سبائک الذهب، ص ۷۸).  
 تا جایی کہ ابن حجر ہیثمی شافعی و شیخ احمد ابوسرور صبا حنفی و شیخ محمدبن  
 محمدخطابی مالکی، و شیخ یحیی بن محمد حنبلی فتوا دادہ اند کسی کہ منکر اعتقاد  
 ظهور است باید مجازات و تحقیر شود تا ادب گردد و بہ حق روی آورد و در غیر اینصورت  
 واجب القتل و مہدورالدم است (متقی ہندی، البرہان علی علامات مہدی آخرالزمان، ۱۳۹۹:  
 ص ۱۸۳ و ۱۸۷).

(۲) نسب مہدی (عج) (مہدی از نسل فاطمہ (س) و علی (ع) است (ایروانی، الامام  
 المہدی (ع)، ۱۴۲۰ق: ص ۱۱، ابن ماجہ، سنن ابن ماجہ، ص ۶۹۹؛ سیوطی، عرف الوردی،  
 ۱۳۹۳: ص ۷۶)

(۳) ویژگی جسمی حضرت مہدی عجل اللہ

✓ قدرتمند بودن حضرت (جوینی، فرائد السمطین، ۱۴۰۰: ج ۲،  
 ص ۳۲۷، ح ۵۸۹)

✓ چہرہ نورانی (ہمان، ح ۵۶۵)

✓ پیشانی بلند و بینی کشیدہ (صنعانی، المصنف، ۱۴۰۳ق: ج ۳،

ص ۲۷۷)

- ✓ خال بر گونه راست حضرت (گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان عج، ۱۴۰۴ق: ب ۸، ح ۵۱)
- ۴) هم همنام بودن حضرت با پیامبر (ص) (مقدسی، عقد الدرر، ۱۴۲۴ق: ص ۴۵ و ۵۵)
- ۵) زمنیه های ظهور

- ✓ ناامیدی کامل مردم از فرج (نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۶)
- ✓ فراگیری ظلم و ستم و عدالت گستری حضرت (سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲)

## ۶) نشانه های ظهور

- ✓ ندای آسمانی (نعیم بن حمار، الفتن، ۱۴۲۴ق: ص ۹۳)
- ✓ خروج سفیانی (صنعانی، المصنف، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ص ۳۷۱)
- ✓ خسف بیداء (همان)
- ✓ قتل نفس زکیه (ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۹)

## ۷) امور مربوط به ظهور

- ✓ عدالت گستری (ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴؛ سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲).
- ✓ رفاه آسایش عمومی (ابن ابی شیبیه، مصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴)
- ✓ رضایت همگانی (صنعانی، المصنف، ۱۴۰۳ق: ح ۲۰۷۷۰)
- ✓ امنیت همه جانبه (احمد حنبل، مسند، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ص ۳۷)
- ✓ احساس بی نیازی مردم، غلبه بر سایر ادیان و جهانی بودن

حکومت حضرت (مقدسی، عقد الدرر، ۱۴۲۴ق: ص ۹۷)

## افتراقات در رابطه با امام زمان عج بین فریقین



پس وظایف و برنامه ای در دورانی مانند غیبت حضرت برای آنان معنایی ندارد و از محل بحث خارج است. با این وضع دیدگاه شیعه می ماند که وظایف و برنامه‌های امام در دوران غیبت برای آنان صادق و قابل استفاده از آیات سه گانه مطرح شده است که در مجموع به موارد زیر می توان اشاره کرد:

مجموعه وظایف و برنامه های امام در دوران غیبت ناظر بر آیات ثلاث

- (۱) رساندن پیام وحی
- (۲) به فرمان الهی مردم را هدایت می کند
- (۳) انجام کارهای خیرخواهانه
- (۴) توجه به اقامه نماز در جامعه
- (۵) دادن زکات و اهمیت آن
- (۶) رهبری الهی عالم و عامل عبودیت و بندگی خدا
- (۷) ایمان و یقین با آیات الهی
- (۸) صبر و استقامت و شکیبایی در امر به هدایت
- (۹) بهره دادن علمی توسط امام به جامعه
- (۱۰) صبر و انتظار
- (۱۱) نظر باطنی امام و اشیا و حوادث
- (۱۲) ادب امام
- (۱۳) قضاوت عالمانه
- (۱۴) حمایت از مظلومان و صالحان
- (۱۵) حفظ جامعه از کفر مطلق
- (۱۶) در نظر گرفتن مصلحت های جامعه و حفظ اسلام

**نتیجه گیری**

در این مقاله به بررسی دو دیدگاه شیعه و سنی در باره وظایف و برنامه‌های امام زمان عجل الله در دوران غیبت ناظر به آیات سه گانه (کهف ۸۲، سجده ۲۴، انبیاء ۷۳) پرداختیم و معلوم گشت بین هر یک از آن دو دیدگاه اشتراکات افتراقات است که اهل سنت در ظهور و قیام حضرت عجل الله و اینکه از نسل پیامبر بوده و پاره‌ای موارد دیگر باشیعه مشترکند و در مبحث مهم ولادت و غیبت امام زمان تفاوت بسیاری دارند و این موجب گردید که این نتیجه حاصل شود که دیدگاه شیعه با ظواهر بلکه با نصوص قرآن و روایات سازگارتر است. هر چند هر دو دیدگاه بر شأن هدایت‌گری امام تأکید دارند و معتقدند خداوند امام را برای تربیت و هدایت خلق برگزیده است؛ اما شیعه امامت را منصب الهی و ادامه دهنده راه نبوت می‌داند و اهل سنت امامت را منصبی حاکمیتی و انتخابی می‌دانند.

### فهرست منابع

۱. انصاریان، حسین، «قرآن کریم، ترجمه فارسی»، ج ۱، انتشارات آیین دانش، قم، ۱۳۸۹.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، «منهاج السنه النبویه فط نقض کلام الشیعه و القدریه»، بی جا، بی تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۸ق.
۴. ابن ابی شیبه، «المصنف فی الاحادیث و الآثار»، مصحح سعیدالحام، دارالفکر، بیروت.
۵. ایروانی، محمدباقر، «الامام المهدی بین التواتر و حساب الاحتمال»، انتشارات مرکز الابحاث العقائدی، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن کثیر، «تفسیر القرآن العظیم»، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت.
۷. ابن عجبیه، لابی العباس احمد بن محمد عجبیه، «البحر المدید فی تفسیر القرآن»، تحقیق و تعلیق احمد عبدالله القرشی، الازهر، چاپ قاهره، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمان بن علی، «زاد المسیر فی علم التفسیر»، تحقیق عبدالرزاق مهدی، دارالکتاب العربی، بیروت.

۹. الوسی بغدادی، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۰. العروسی الحویزی، العلامه عبدعلی بن جمعه، «تفسیر نورالثقلین»، موسسه مطبوعات اسماعیلان.
۱۱. المقرئ، عثمان بن سعید، «السنن الوارده فی الفتن»، ج ۵، چ ۱، ص ۱۰۵۷، نشر دار العاصمه، ریاض، ۱۴۱۶ق.
۱۲. احمد بن محمد بن حنبل، «مسند احمد»، نشر موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۶ق
۱۳. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی، «سنن ابن ماجه»، تحقیق محمد فواد الباقی، نشر دار احیاء الکتب العربیه.
۱۴. کرمی حویزی محمد، تفسیر الکتب المنیر، چاپ العلمیه، قم، ۱۴۰۲ق.
۱۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۱۰، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۶. بحرانی، علاء الدین علی بن محمد، «لباب التاویل فی معانی التنزیل (تفسیر خازن)»، دارالکتب العلمی، بیروت.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، «صحیح»، ترجمه عبدالعلی نوراحراری، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۱۸. پوریوسف، عباس، «خلاصه تفاسیر قرآن مجید»، چ ۳، انتشارات شاهد، تهران، ۱۳۸۶.
۱۹. ترمذی، ابو عیسی، محمد، «سنن»، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۰. تفتازانی، سعدالدین، «شرح المقاصد»، چ ۱، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۱. ثقفی تهرانی، محمد، «تفسیر روان جاوید»، چ ۳، انتشارات برهان، تهران، ۱۳۹۸.
۲۲. جوینی، ابراهیم بن محمد، «فرائد السمطین»، نشر موسسه محمودنی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۲۳. حر عاملی، محمد حسن، «تحقیق احمد حسینی»، مکتبه لاندلس، بغداد.

۲۴. حسینی ہمدانی، سید محمد حسین، «انوار درخشان»، ج ۱۱، چ ۱، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴.
۲۵. حسین شاہ عبدالعظیمی، حسین، «تفسیر اثنی عشری»، چ ۱، انتشارات میقات، تهران، ۱۳۶۳.
۲۶. حاکم حسکانی، «شواہد التنزیل»، تحقیق محمد باقر محمودی، نشر ارشاد اسلامی، مجتمع احیاء ثقافہ الاسلامیہ، ۱۴۱۱ق.
۲۷. سمرقند الحنفی، ابی الیث نصر بن محمد، «بحر العلوم»، دارالفکر، بیروت.
۲۸. سیوطی، عرف الوردی فی اخبار المہدی، محقق محمد کاظم موسوی، نشر تبیان، قم، ۱۳۹۳.
۲۹. سبحانی، جعفر، «الہیات»، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، ترجمہ محمد علی فرزی خراسانی، انتشارات دارالفکر.
۳۰. صدوق، محمد بن علی، «الاعتقادات»، دارالمغنیہ، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۱. صدوق، محمد علی، «عیون اخبار الرضا (ع)»، محقق مہدی لاجوردی، ج ۱، چ ۱، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۳۲. طایی، نجاح، «تفسیر اہل البیت علیہم السلام»، دارالہدی لاحیاء التراث، قم، ۱۴۳۹ق.
۳۳. صنعانی، ابی بکر عبدالرزاق بن ہمام، «المصنف»، نشر المجلس العلمی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، «تفسیر مجمع البیان»، انتشار دارالمعرفہ، بیروت.
۳۵. طبرسی، ابی جعفر محمد بن جریر، «جامع البیان عن تاویل آیہ القرآن».
۳۶. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، «الغیبہ»، ترجمہ مجتبیٰ عزیزی، چ ۲، نشر جمکران، قم، ۱۳۸۷.
۳۷. طباطبائی، سید محمد حسین، «المیزان»، دفتر انشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۳۸. طیب، سید عبدالحسین، «اطیب البیان فیتفسیر القرآن»، ج ۱۱، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۸.
۳۹. عیاشی، «تفسیر العیاشی»، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۴۰. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، ج ۱۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸.
۴۱. قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری، «الجامع الاحکام القرآن»، دارالفکر، بیروت.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، «کافی»، تحقیق قسم احیاء، نشر دار الحدیث، قم.
۴۳. کاشانی، ملافتح الله، «تفسیر منهج الصادقین»، مصحح میزابو الحسن شعرانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۴۲۲ق.
۴۴. گنجی شافعی، محمد بن یوسف محمد، «البیان فی اخبار صاحب الزمان»، دارالاحیاء تراث اهل بیت، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. مسعودی، علی، «مروج الذهب و معادن الجواهر»، نشر الهجر، ۱۴۰۹ق.
۴۶. مقدسی، شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر فی اخبار المنتظر»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۴۲۴ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، «برگزیده تفسیر نمونه»، با همکاری جمعی از فضلا تنظیم احمد بابایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶.
۴۸. رشید الدین، ابوالفضل، «کشف الاسرار و عده الابرار»، مصصح علی اصغر حکمت، ج ۹، بیروت، ۱۳۹۲.
۴۹. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، «کنز العمال»، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت.
۵۰. متقی هندی، علی بن حسام، «البرهان علی علامات مهدی آخر الزمان»، محقق علی اکبر غفاری، نشر الرضوان، قم، ۱۳۹۹.
۵۱. مجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار»، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.



